

نقش آموزش و ترویج کشاورزی در توسعه کارآفرینی روستایی

مرجان واحدی^۱، طیبه حیدرزادی^۲، آفسانه سلمانی^۳

^۱ استادیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران.

Marjan.vahedi@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکترای ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران.

heidarzadi@yahoo.com

^۳ دانشجوی دکترای ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران.

Solimani.fc@gmail.com

چکیده

یافته‌ها و اسناد حاکی از آن هستند که عوامل متعددی در ایجاد و توسعه کارآفرینی مؤثر در مناطق روستایی، نقش دارند که یکی از مهم‌ترین این عوامل، آموزش و ترویج کشاورزی است. نتایج حاصل از بررسی‌های نشان داده است که نظام آموزش کشاورزی، می‌تواند در پرورش نیروی کار ماهر و خوداشتغال، مؤثر واقع گردد و به‌عنوان یک راه میان‌بر، در جهت توسعه سرمایه انسانی و رسیدن به توسعه روستایی، ایفای نقش نماید. اهمیت نظام آموزش کشاورزی و نقش آن بر توسعه کارآفرینی روستایی از آنجا ناشی می‌شود که در نتیجه این آموزش‌ها، فرد کارآفرین می‌تواند با شناسایی فرصت‌ها و مشکلات موجود، به ابداع راهکارهای نوین در جهت رشد و توسعه، همت گمارد. بدین ترتیب، کارآفرینی می‌تواند از طریق ایجاد اشتغال، بهبود کیفیت زندگی، توزیع مناسب درآمد و بهره‌برداری بهینه از منابع، نقش مهمی در توسعه روستایی داشته باشد. بنابراین تحقیق حاضر در نظر دارد با نگاهی کلی و نظام‌مند، به بررسی نقش آموزش و ترویج کشاورزی در توسعه کارآفرینی روستایی بپردازد. تحقیق حاضر یک مطالعه مروری است که اطلاعات مورد نیاز آن، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و جستجو در منابع اینترنتی، گردآوری شده است.

کلید واژگان: آموزش، ترویج، کشاورزی، توسعه، کارآفرینی روستایی.

* نویسنده مسئول: Marjan.vahedi@yahoo.com

Role of Agricultural Education and Promotion in the Development of Rural Entrepreneurship

¹ Marjan Vahedi*, ² Tayebeh Heidarzadi, ³ Afsaneh Salmani

¹ Assistant Professor of Agricultural Promotion and Education, Islamic Azad University, Ilam, Ilam, Iran.

Marjan.vahedi@yahoo.com

² PhD Student in Agricultural Education and Promotion, Islamic Azad University, Ilam, Ilam, Iran.

heidarzadi@yahoo.com

³ Ph.D. Student in Agricultural Education and Promotion, Islamic Azad University, Ilam, Ilam, Iran.

Solimani.fc@gmail.com

Abstract

Findings and documents indicate that there are many factors in the creation and development of effective entrepreneurship in rural areas, one of the most important of these factors is the education and promotion of agriculture. The results of the studies have shown that agricultural education system can be effective in the development of skilled and self-employment labor, and serve as a short way to develop human capital and achieve rural development. The importance of the agricultural education system and its role in the development of rural entrepreneurship arises from the fact that, as a result of these training, the entrepreneur can identify new opportunities and problems by inventing new solutions for growth and development. In this way, entrepreneurship can play an important role in rural development through job creation, improving quality of life, adequate income distribution and optimal utilization of resources. Therefore, the present study intends to examine the role of agricultural education and promotion in rural entrepreneurship with a comprehensive and systematic approach. The present study is a review article that compiles the required information through library studies and the search of internet resources.

Keywords: Education, Promotion, Agriculture, Development, Rural Entrepreneurship.

* Responsible writer: Marjan.vahedi @yahoo.com



مقدمه

زیربنای توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی است و از آنجا که سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، سودآورتر از هر نوع سرمایه‌گذاری دیگر است، بخش آموزش از طریق تربیت نیروی کار ماهر مورد نیاز، نقش مهمی در تشکیل این سرمایه، در کشورهای مختلف جهان، ایفا می‌کند. طبق بررسی‌ها و مطالعات انجام شده، اهمیت نقش نیروی انسانی در توسعه و موفقیت مراکز آموزشی در زمینه تشکیل سرمایه انسانی و نیز پرورش روحیه کارآفرینی می‌باشد. کارآفرینی، امروزه در زمره مهم‌ترین مسائلی است که توجه بسیاری از ملل و مجامع علمی را به خود جلب کرده است. بزرگ‌شدن بیش از حد تشکیلات بوروکراتیک دولتی و پدیده معاصر ایجاد کسب و کارهای کوچک و کارآفرینی، از مهم‌ترین دلایلی است که باعث ایجاد اهمیت موضوع کارآفرینی شده است (آراستی و همکاران، ۱۳۹۲). اقتصاددانان معتقدند که کارآفرینی سه نتیجه مفید برای جوامع دارد: ۱- اشتغال مفید، پایدار و مولد؛ ۲- نوآوری‌های تأثیرگذار در عرصه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و ۳- ثروت و رفاه (کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳). بنابراین می‌توان گفت کارآفرینی در نهایت، می‌تواند به پیشرفت اقتصادی، افزایش رفاه و کاهش فقر در محیط‌های مختلف شهری و روستایی منجر گردد. برخی از محققان معتقدند که شرایط اجتماعی و اقتصادی جوامع روستایی را می‌توان از طریق فعالیت‌های کارآفرینانه ارتقا بخشید (Duarte and Diniz, 2011) و از آنجا که روستاها نیز همچون شهرها، مملو از فرصت‌های جدید و کشف نشده هستند، کشف و بهره‌برداری به موقع از این فرصت‌ها و ایجاد کسب و کارهای جدید و رقابت‌پذیر بر مبنای آن، می‌تواند مزایای چشمگیری برای روستائیان، به همراه آورد. اهمیت توجه به اشتغال و نیروی انسانی در مسائل اقتصادی کشور و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی با تکیه بر کاهش بیکاری و افزایش اشتغال‌زایی در بخش کشاورزی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از همین رو، اتخاذ راهبرد اشتغال برای مردم روستایی با حمایت از سیاست‌های عمومی، بر مبنای سوق دادن سرمایه‌گذاری، اشتغال و خدمات، به سمت مناطق روستایی در مقابل راهبرد مردم برای اشتغال که از مهاجرت‌های روستایی حمایت می‌کند، از ضروریات توسعه روستایی است (شکویی، ۱۳۸۴). بر همین اساس، در بسیاری از تحلیل‌های نظریه‌ای، به کشاورزان موفق و کارآفرین در مناطق روستایی، به‌عنوان سرمایه‌های عظیم انسانی، نگریسته شده است. زیرا آنها به‌عنوان نیروهای خلاق و نوآور و متفکر در زمینه فعالیتی خود، می‌توانند تحولی در زندگی و حیات اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی انجام دهند و نفس تازه‌ای را در این لکه‌های حیات بدمند و روستاها را از حالت ایستایی (فقر، بیکاری، الگوهای معیشتی سنتی و تک‌ساختی و بدون تنوع) و حتی در برخی موارد، سقوط (تخلیه شدن روستاها به دلیل مهاجرت) نجات دهند (کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳). استعدادهای کارآفرینی فراوانی در میان کشاورزان وجود دارد. به همین دلیل، هدف باید شناسایی این فرصت‌ها و یک نوع تغییر نگرش، از تجارت به افراد محلی باشد؛ زیرا در مناطق روستایی، که از منابع غنی انسانی و طبیعی برخوردارند، لازم است در این زمینه سرمایه‌گذاری‌هایی به‌منظور شکوفاکردن استعدادهای آنها انجام شود (کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳). در این راستا، نظام آموزش کشاورزی می‌تواند در پرورش نیروی کار ماهر و خوداشتغال، موثر واقع گردد و به‌عنوان یک راه میان‌بر، در جهت توسعه سرمایه انسانی و رسیدن به توسعه روستایی، ایفای نقش نماید. آموزش و ترویج کشاورزی در کشورهای در حال توسعه، نه تنها می‌تواند عهده‌دار تربیت نیروی کار مورد نیاز در بخش‌های مختلف اقتصادی روستاها باشد، بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی، به حل مشکل بیکاری و توسعه روستاها در این کشورها نیز، کمک می‌نماید. همچنین با توسعه و ایجاد شرکت‌های کوچک کارآفرینی در بخش کشاورزی، روستائیان به کالاها و خدمات مورد نیاز خود دست می‌یابند و این امر تأثیر زیادی در رشد اقتصادی روستاها و کاهش پدیده مهاجرت به شهرها دارد (شبهکی پورعلی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲). از طرفی اهمیت بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور ایجاب می‌کند تا مراکز آموزشی و آموزش عالی کشاورزی برای ایجاد و رونق کسب و کارهای کشاورزی به مقوله کارآفرینی پایدار، توجه نمایند. اهمیت نظام آموزش کشاورزی و نقش آن بر توسعه کارآفرینی روستایی از آنجا ناشی می‌شود که در نتیجه این آموزش‌ها، فرد کارآفرین می‌تواند با شناسایی فرصت‌ها و مشکلات موجود، به ابداع راهکارهای نوین در جهت رشد و توسعه، همت گمارد. همچنین ارزش‌ها، باورها و رفتار افراد را می‌توان با استفاده از ابزار آموزش تحت تأثیر قرار داد و در جهت مورد نظر اصلاح نمود (موحدی و همکاران، ۱۳۹۵). بدین ترتیب،

کارآفرینی می‌تواند از طریق آموزش و "ایجاد اشتغال، بهبود کیفیت زندگی، توزیع مناسب درآمد و بهره‌برداری بهینه از منابع، نقش مهمی در توسعه روستایی داشته باشد" (حسینی و شریف‌زاده، ۱۳۸۶).

با این حال، هنوز هم قشر عظیمی از فقیرترین مردم دنیا در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و مطابق آمار منتشرشده از طرف سازمان ملل، تقریباً ۶۲ درصد از جمعیت کل دنیا را روستاییان تشکیل می‌دهند که در آسیا و آفریقا این نسبت گاهی به ۷۶ درصد نیز می‌رسد (کریمی، ۱۳۹۳). در ایران نیز مسائل بسیاری همچون بیکاری، مهاجرت به شهرها، حاشیه‌نشینی و فقر و ... وجود دارد که ریشه همه آنها را می‌توان در توسعه‌نیافتگی روستایی و نرخ بالای بیکاری در روستاها جستجو نمود (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین با توجه به اهمیت موضوع و نظر به آنچه گفته شد، تحقیق حاضر در نظر دارد تا نقش آموزش و ترویج کشاورزی را در توسعه کارآفرینی روستایی، مورد بررسی قرار دهد.

تعریف کارآفرینی و کارآفرینی روستایی

واژه کارآفرینی از ریشه فرانسوی *Entrepreneur* به مفهوم تعهد کاری، گرفته شده است. کارآفرینی، فرآیند خلاق چیزی نو و قبول مخاطرات و منافع آن است (دادورخانی و همکاران، ۱۳۹۰). مرکز کارآفرینی جهانی، کارآفرینی را فرآیند توانایی جمع‌آوری منابع ضروری و لازم برای سرمایه‌گذاری روی فرصت‌های شغلی جدید و رشد پی‌درپی کسب و کارهای مبتکرانه، تعریف کرده است (فراهانی و حاجی حسینی، ۱۳۹۲). بنا به تعریف FAO (2012)، کارآفرینی، شامل تحلیل فرصت‌ها، آغاز و رشد یک سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز، تأمین مالی و احتمالاً کسب موفقیت و سودآوری حاصل از آن است. کارآفرینی فرآیندی است که در آن، کارآفرین، فعالیت اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه خود شروع می‌کند (Reardon et al., 2001).

کارآفرینی روستایی نیز هیچ تفاوتی با مفهوم عام کارآفرینی ندارد. فقط شرایط خاص مناطق روستایی از جمله بالاتر بودن ریسک، کمبود امکانات و ضعف مدیریت در این نواحی، باعث می‌شود که زمینه‌های کارآفرینی در این نواحی با سایر نواحی و فعالیت‌ها متفاوت باشد (طوسی و همکاران، ۱۳۹۳). مناسب‌ترین تعریف کارآفرینی روستایی این گونه تشریح می‌گردد: "نیرویی که سایر منابع را برای پاسخ‌گویی به تقاضای بی‌پاسخ بازار، بسیج می‌کند"، "توانایی خلق و ایجاد چیزی از هیچ" و "فرآیند خلق ارزش به وسیله امتزاج مجموعه واحدی از منابع، برای بهره‌گیری از یک فرصت" (پترین، ۱۳۸۱). در واقع، کارآفرینی روستایی فعالیتی است که به مردم روستایی کمک می‌کند تا فرصت‌ها را به فعالیت‌های اقتصادی سودآور تبدیل کنند (افتخاری و سجاسی قیداری، ۱۳۸۹).

اهمیت آموزش و ترویج کشاورزی در توسعه کارآفرینی روستاها

بخش کثیری از جمعیت جهان، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، در روستاها زندگی می‌کنند و غالباً به فعالیت‌های کشاورزی اشتغال دارند. بنابراین در مسیر دستیابی به توسعه کلان اقتصادی، توجه به توسعه روستایی و کشاورزی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اما با توجه به اینکه بخش کشاورزی نیز، به خاطر تحولات صورت‌گرفته در ارتباط با بازار، سیاست‌های بین‌المللی، سیاست‌های ملی و توسعه فناوری‌های نوین در حال تغییر است (شریف‌زاده، ۱۳۹۳)، بکارگیری رهیافت‌های جدید در توسعه روستایی نیز، نیازمند ایجاد تغییرات اساسی در محیط روستایی و بالابردن آستانه تحمل آنها است (Balazs and podmaniczky, 2010) که در این راستا، آموزش و ترویج کشاورزی، از جمله راهبردها و عناصر کلیدی موثر در دستیابی به عمران و توسعه پایدار روستایی به‌شمار می‌رود. ترویج کشاورزی به فعالان این بخش کمک می‌کند تا ضمن تمشیت امور خود، قادر گردند از طریق افزایش بازدهی ناشی از کار مداوم توأم با دانایی، به خود متکی شوند. راه‌اندازی و اداره یک واحد اقتصادی فعال در روستاها، نیازمند آشنایی با طیف وسیعی از دانش‌ها و مهارت‌هاست. زیرا جوانان روستایی اغلب از سطح مهارت کمتری در این زمینه برخوردارند. برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی و ارائه مشاوره در این زمینه، از سیاست‌های عمده توسعه کارآفرینی در روستاهاست و در نهایت افرادی که بتوانند بر سطح بالاتری از مهارت‌های مورد نیاز خود دست یابند، می‌توانند فعالیت‌های خود را از حالت تازه‌پا به یک فعالیت در حال رشد و رقابت‌پذیر در عرصه جهانی تبدیل کنند. در این برنامه‌های آموزشی، بر چهار گروه از مهارت‌های مورد نیاز کارآفرینان تأکید می‌شود:

- مهارت‌های علمی و فنی، بر اساس نوع فعالیت.
 - مهارت‌های مدیریتی، شامل مدیریت مالی، بازاریابی، اداری و امور کارکنان.
 - مهارت‌های کارآفرینی، شامل توانایی تشخیص و استفاده از فرصت‌های جدید در بازار و ارائه راه‌حل‌های نوآورانه در مقاله با چالش‌ها.
 - مهارت‌های شخصیتی، شامل خودتکایی، اعتماد به نفس، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری و ...
- آموزش کارآفرینی، بستر لازم را برای انتقال دانش و مهارت‌های ضروری به افراد، فراهم می‌کند. آموزش کارآفرینی لازمه توسعه کارآفرینی است (میرزا محمدی و همکاران، ۱۳۸۷). فرایند آموزش و هدایت افراد به بازار کار در دو دهه اخیر تحت تأثیر سه عامل افزایش جمعیت، رویدادهای منطقه‌ای و جهانی و همچنین تغییرات سریع تکنولوژیک، دستخوش دگرگونی شده است. یکی از راه‌های مقابله با این معضل، آموزش کارآفرینی است. در واقع، آموزش کارآفرینی به دنبال آماده‌سازی افراد برای درک موقعیت‌های کارآفرینی و استفاده از فرصت‌ها و پتانسیل‌های موجود برای ایجاد کارآفرینی یا تفکر کارآفرینی است (کنجوری و همکاران، ۱۳۹۲).
- بخش ترویج با ارائه خدمات آموزشی لازم و باکیفیت در زمینه کارآفرینی کشاورزی، می‌تواند زمینه را برای "افزایش درآمد کشاورزان خرده‌پا، بهبود کیفیت و عملکرد محصولات کشاورزان تجاری، افزایش ظرفیت جوامع محلی و تأمین امنیت قشر آسیب‌پذیر زنان و جوانان و توسعه بازارها و زنجیره ارزش محصولات و در نهایت بهبود وضعیت کشاورزی پایدار، فراهم نماید (Reddy, 2012). هدف نهایی ترویج از ارائه خدمات در مسیر توسعه پایدار روستایی، بهبود زندگی مردم است و در این راستا، جهت برآوردن نیازهای مردم، آنها را تحت آموزش قرار می‌دهد. ترویج سعی دارد مردم را متقاعد سازد تا از اطلاعات علمی، فناوری‌های جدید و روش‌های تکامل یافته در زندگی روزمره‌شان استفاده کنند (زائری و همکاران، ۱۳۹۳). آموزش و ترویج کشاورزی، همچنین می‌تواند در ایجاد جامعه پویا و سعادتمند روستایی کمک موثری بنماید. بنابراین جامعه‌ای که در آن، مردم در رفاه و آسایش و سعادت بسر برند و رشد متعادل بین شهرها و روستاها به وجود آمده باشد، با ایجاد و دوام ثبات سیاسی و اجتماعی کل جامعه، همراه خواهد بود.

لزوم توجه به کارآفرینی روستایی و کشاورزی

اگرچه کارآفرینی، تنها راهکار اشتغال‌زایی و افزایش درآمدهای مردم روستایی نیست، اما قطعاً بهترین و بهره‌ورترین نوع آن است. اقتصاددانان، کارآفرینی را مهم‌ترین عامل توسعه اقتصادی روستاها دانسته و سیاستمداران از آن به‌عنوان یک راهبرد کلیدی برای جلوگیری از اغتشاشات و ناآرامی در روستاها، یاد کرده‌اند. کشاورزان و روستاییان آن‌را ابزاری برای بهبود درآمد خویش و زنان آن‌را امکانی برای اشتغال در مجاورت محل سکونت خود می‌دانند که می‌تواند خودکفایی، استقلال و کاستن از نیازهای اجتماعی آنان را در پی داشته باشد (Laukkanen, 2003).

توسعه کارآفرینی روستایی، قابلیت برای کمک و تنوع‌بخشی به درآمد و میزان تولیدات کشاورزی و غیر کشاورزی روستاییان محسوب می‌شود و فرصت‌های مناسبی را برای کاهش خطر معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می‌کند. کارآفرینی در مناطق روستایی تنوع و گستردگی زیادی دارد. اما به دلیل تسلط بخش کشاورزی در اغلب مناطق روستایی، تأکید عمده بر کارآفرینی کشاورزی است (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۰).

کشاورزی مهم‌ترین عامل تأمین معاش فقرای روستایی محسوب می‌شود که نقش مهمی در تولید و اشتغال مولد دارد. بنابراین، در شرایط فعلی اقتصادی ایران که بیکاری، نبود تحرک اقتصادی و محدودیت سرمایه‌گذاری دولت از مشخصه‌های آن است، توجه به کشاورزی اهمیتی دوچندان دارد (رکن‌الدین افتخاری و سجاسی قیداری، ۱۳۸۹). فعالیت‌های مربوط به بخش کشاورزی از جمله زراعت، باغداری، گلخانه، پرورش انواع دام و طیور، زنبور عسل و فعالیت‌های جنگل‌داری، آبخیزداری، حفظ و توسعه محیط زیست، توسعه صنایع روستایی و صنایع تبدیلی (صنایع خانگی، دستی، کارگاهی و کارخانه‌ای)، گردشگری روستایی و عشایری، فعالیت‌های مربوط به عشایر، مسکن روستایی، مکانیزاسیون کشاورزی، اصلاح روش‌های آبیاری و توسعه روش‌های نوین آن، ماشین‌آلات کشاورزی، اجرای طرح‌های هادی و



بهسازی محیط روستاها و ... مهم‌ترین زمینه‌های بروز کارآفرینی در بخش کشاورزی و نواحی روستایی هستند. در واقع کلیه اقداماتی که می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به ایجاد اشتغال و درآمد و بهره‌برداری مطلوب و پایدار به نیازهای جامعه روستایی و بخش کشاورزی توجه نموده و به بهبود کیفیت زندگی در نواحی روستایی و مناطق کشاورزی یاری رسانند، در قلمرو کارآفرینی بخش کشاورزی و روستایی قرار می‌گیرند (سلجوقی، ۱۳۹۲) و از آنجا که کشاورزی از بخش‌های اساسی اقتصاد کشور و زمینه‌ساز رشد و توسعه به‌شمار می‌رود، رشد و توسعه این بخش می‌تواند زمینه را برای رشد و توسعه سایر بخش‌ها، از جمله صنعت، خدمات، حمل و نقل و انرژی فراهم سازد. در واقع، تجربیات جهانی نشان داده است که بدون رشد و توسعه کشاورزی، عوامل و نهادهای لازم برای فعالیت سایر بخش‌های اقتصادی فراهم نمی‌شود. کارآفرینی روستایی و به‌ویژه کشاورزی، می‌تواند با شناسایی مزیت‌ها و محدودیت‌های بخش کشاورزی جوامع روستایی، توسط برنامه‌ریزی راهبردی مناسب، به توسعه اقتصاد روستایی در کنار سایر ابعاد توسعه، کمک کند و از دولت‌محور بودن الگوهای توسعه روستایی کشور که ویژگی‌های عمده آن آسوده‌طلبی و مطیع‌بودن روستاییان است، جلوگیری کند و جامعه را به سوی خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی حرکت دهد (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۰).

Saxena (2012) معتقد است که امروزه توسعه روستایی بیش از پیش با کارآفرینی مرتبط است. کارآفرینی در بخش روستایی می‌تواند نظمی نو برای کار در مناطق روستایی ایجاد کند که از چندین جنبه اهمیت دارد: اول آنکه معقولانه است. یعنی افراد و گروه‌های کاری در محیط روستا، توانایی کنترل بیشتری بر کار خود خواهند داشت و برای استفاده از آن در جهت رفع نیازهای خود، از جمله نیاز به رشد و توسعه سالم، فرصت‌های بیشتری به دست خواهند آورد. دوم آنکه انسانی‌تر است. یعنی کار افراد و گروه‌ها، نه تنها در زمینه اموری که با اهداف آنان بیگانه است، مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، بلکه موجب استثمار و زیان دیگران نیز نخواهد شد. سوم آنکه، با محیط زیست سازگارتر است. به این ترتیب، کار با محیط طبیعی و زیست انسانی هماهنگ خواهد بود و طبیعت را تخریب نخواهد کرد (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۸). البته سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و کارآفرینی روستایی در بخش‌های غیرزراعی نیز، علاوه بر بهبود معیشت روستاییان و مقرون به صرفه بودن زندگی روستایی و ایجاد انگیزه برای عدم مهاجرت به شهرها، موجب توسعه بخش کشاورزی، کاهش فشار اقتصادی ناشی از بیکاری فصلی در روستاها، آبادانی روستاها و شکوفایی اقتصادی کشور خواهد شد (اشراقی و همکاران، ۱۳۹۵). به همین دلیل، در چند سال اخیر، بحث احیا و پویاسازی مجدد نواحی روستایی از طریق ارتقا و توسعه کارآفرینی، توجه زیادی را به خود جلب نموده است و در واقع بسیاری از کارگزاران توسعه روستایی، به کارآفرینی، به‌عنوان یک راهبرد توسعه می‌نگرند (کریمی، ۱۳۹۳).

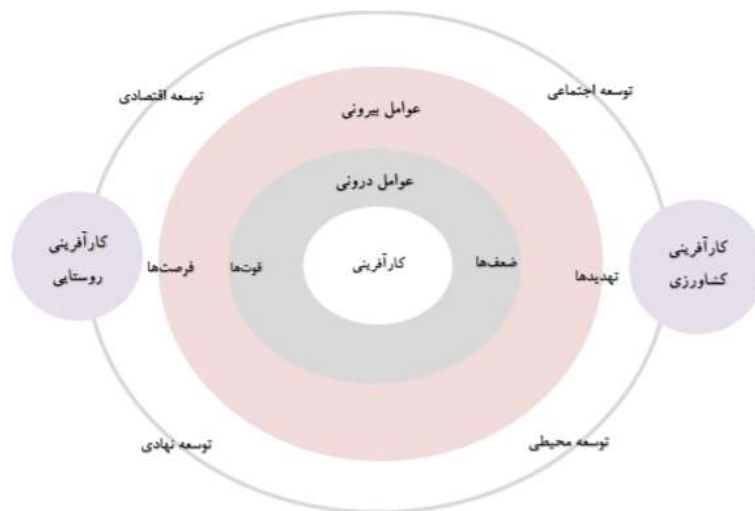
اهداف آموزش کارآفرینی

اریکلا (۲۰۰۰) معتقد است هدف کارآفرینی، آموزش افراد برای خلاقیت، نوآوری و سودمندی بیشتر است (مذبوحی و همکاران، ۱۳۹۰) و هدف دوره‌های آموزشی در مجموع، تربیت افرادی با اعتماد به نفس بالا، فرصت شناس و به‌طور کلی افرادی است که تمایل قوی و بیشتری برای راه‌اندازی کسب و کارهای مستقل دارند. در حقیقت هدف اصلی از توسعه کارآفرینی، همانا تربیت نمودن افراد دارای اعتماد به نفس و آگاه به فرصت‌ها و به‌طور کلی افرادی است که انگیزه‌ای قوی برای راه‌اندازی کسب و کارهای جدید داشته باشند (Cotton, 1990). Garvan and Ocinneide (1994) اهداف برنامه‌های آموزشی کارآفرینی را در قالب موارد زیر بیان می‌کنند:

۱. شناسایی و آماده‌سازی کارآفرینان بالقوه برای شروع یا توسعه دانش و فناوری در کسب و کارهای مخاطره‌آمیز؛
۲. توانمندسازی مخاطبان برای تنظیم برنامه‌های کسب و کار؛
۳. تمرکز بر موضوعاتی که برای اجرای پروژه‌های کارآفرینانه همچون تحقیق بازار و تحلیل رقبا، تأمین مالی کسب و کار و موضوعات مالیاتی و قانونی، حیاتی هستند؛
۴. بهبود و توسعه رفتارهای مستقلانه، ریسک‌پذیری و تقبل مسئولیت‌ها؛
۵. توانمندسازی مخاطبان به گونه‌ای که در پایان دوره آموزشی بتوانند اقدام به تأسیس کسب و کار مخاطره‌آمیز دانش محور یا فناوری سطح بالا کنند.

عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی روستایی و کشاورزی

یافته‌ها و اسناد حاکی از آن هستند که عوامل متعددی در ایجاد و توسعه کارآفرینی مؤثر در مناطق روستایی، نقش دارند (طوسی و همکاران، ۱۳۹۳). به طور کلی، کارآفرینی کشاورزی، شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌های کشاورزی با یک روش شناسی و سیاست‌گزینی خاص و جدید برای ایجاد تحول و دگرگونی در کشاورزی همراه است. کارآفرینی کشاورزی به دنبال ارائه تفکر، روش و تدبیری نو برای حل مشکلات گذشته و کنونی کشاورزی می‌باشد که حاصل همکاری بین عوامل درونی و کشاورزی (فعالان بخش کشاورزی) و بیرونی (برنامه‌ریزان، مدیران و مسئولان) با در نظر گرفتن شرایط و تحولات جهانی، دانش فنی نو، فرهنگ روستایی و محدودیت‌های زیست‌محیطی است که برای دستیابی به الگوهای نو در کشاورزی، بالابردن بهره‌وری و کارایی و دستیابی به بازارهای نو در مقیاس‌های بزرگ‌تر، در کل، به بهبود وضع اقتصادی روستاییان و به‌خصوص کشاورزان در کنار سایر ابعاد، منجر می‌شود. بنابراین کارآفرینی کشاورزی شیوه جدیدی در بخش کشاورزی برای افزایش درآمد و ثروت، ایجاد اشتغال و غیره است. بر این اساس، یک هم‌پوشانی و ارتباط ارگانیک بین کارآفرینی کشاورزی و روستایی برقرار است که با توجه به الگوی برنامه‌ریزی راهبردی و در نظر گرفتن هم‌زمان عوامل درونی و بیرونی (قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها) می‌توان به توسعه یکپارچه‌ای در چهارچوب اصول توسعه پایدار دست یافت (شکل ۱؛ رکن‌الدین افتخاری و سجاسی قیداری، ۱۳۸۹).



شکل ۱- مدل پویای عوامل موثر در توسعه کارآفرینی روستایی و کشاورزی در برنامه‌ریزی راهبردی (رکن‌الدین افتخاری و سجاسی قیداری، ۱۳۸۹)

چالش‌های آموزشی توسعه کارآفرینی روستایی

با توجه به نتایج بدست آمده از تحقیقات مختلف، چهار عامل عمده‌ای که کارآفرینی در مناطق روستایی از آنها اثر می‌پذیرد، عبارتند از: ۱- ایجاد فعالیت‌های متناسب با نیازهای شناسایی شده جامعه محلی. ۲- تولیدات کافی و متناسب با مقیاس منابع و مهارت‌های محلی. ۳- تمرکز بر کارآفرینی و ۴- یادگیری مداوم به واسطه تغییر آموزش‌های پیشین (شیهکی پورعلی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲). لانجو و شریف (۲۰۰۲) معتقدند که تلاش برای بهبود وضعیت کارآفرینی و اشتغال در روستاها، علاوه بر مساعدبودن عوامل محیطی و ساختاری، مستلزم شناسایی موانع و چالش‌های موجود بر سر راه توسعه آن است. بنابراین "باید همه امکانات و عوامل ملی و محلی بسیج شوند تا با صرف کمترین هزینه و در ابعاد گسترده‌تر، همه بتوانند از همه مواهب و نتایج آن منتفع گردند" و مسیر رو به رشدی جهت توسعه، در مناطق روستایی در پیش گرفته شود. بر اساس نتایج حاصل از مطالعه اشرافی و همکاران (۱۳۹۵)، چالش‌های کارآفرینی

روستایی در بخش آموزشی مربوط به عدم تبحر، تخصص و مهارت فنی کافی در بین نیروی جوان روستایی و عدم دسترسی آسان به مراکز اطلاعاتی، آموزشی و ارتباطی بومی، پایین بودن سطح تحصیلات روستائیان و عدم برخورداری آنان از دانش و آگاهی کافی، جهت راه اندازی کسب و کار روستایی می گردد. شیپکی پورعلی آبادی و همکاران (۱۳۹۲) نیز چالش های آموزشی توسعه کارآفرینی روستایی را چنین برشمردند: چالش در ایجاد مدل‌های تحقیق برای اندازه گیری اثربخشی کارآفرینی، چالش در محتوا و شیوه های آموزش کارآفرینی، چالش در کیفیت مدرسان کارآفرینی، چالش در پذیرش آموزش کارآفرینی در دانشکده ها نسبت به کسب و کار، چالش در ایجاد یک پیکره عمومی (مشترک) در زمینه های دانشی مختلف، چالش در اثربخشی روش های آموزشی و چالش در نیازهای یادگیری کارآفرینانی که در حال کار هستند، متناسب با دوره زندگی کسب و کاری که هم اکنون در آن به سر می برند.

نتیجه گیری و پیشنهاد

امروزه کارآفرینی به عنوان راهبردی اثربخش برای توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورها شناخته شده است و توسعه آن می تواند نقش مهمی در اشتغالزایی پایدار، توسعه عدالت، کاهش فقر و حل مشکلات جامعه روستایی داشته باشد. کارآفرینی با بهبود وضعیت اشتغال، درآمد و بهره‌وری در جوامع روستایی، می تواند از مهاجرت بی رویه روستائیان جلوگیری کرده و حتی منجر به رشد پدیده "مهاجرت معکوس" شود (کریمی، ۱۳۹۲). اما توسعه کارآفرینی به ویژه کارآفرینی روستایی، نیازمند ایجاد شرایطی سازگار با محیط است و از آنجا که اقتصاد روستایی عمدتاً بر پایه کشاورزی و فعالیت های وابسته به آن، استوار است، بهره گیری از کارآفرینی کشاورزی، عقلانی تر و به صرفه تر است و در این راستا، آموزش و کارآموزی به عنوان اساس توسعه کارآفرینی، یکی از مهم ترین عواملی است که می تواند کمک شایانی به بهبود مهارت ها و شایستگی های کارآفرینانه روستائیان و کشاورزان نماید.

در انتها پیشنهادات زیر ارائه می گردد:

- فراهم آوردن امکانات و تجهیزات آموزشی مناسب و در طیف وسیع تر برای روستائیان.
- برگزاری دوره های کارآموزی کارآفرینی برای فارغ التحصیلان، جوانان و دانش آموزان روستایی.
- استفاده و بکارگیری شیوه های خلاقانه و نوین تدریس توسط اساتید و مربیان کارآفرینی.
- توسعه و گسترش دامنه فعالیت های کشاورزی در روستاها.
- بهره گیری از آموزش های ترویجی مداوم از طریق رسانه ها و برخورداری از امکان بازپخش برنامه ها.
- تطبیق آموزش ها با نیاز کشاورزان و پتانسیل های منطقه.
- ارتقاء سطح آموزش های تخصصی کشاورزان با ارائه آموزش های خلاقانه.
- ایجاد، ارائه و توسعه خدمات مشاوره ای فنی و تخصصی و آموزش مهارت های کارآفرینی روستایی به صورت مداوم در روستاها و نزدیک به محل سکونت کشاورزان.
- اجرای آموزش ها به صورت مجموعه متوالی جهت کمک به یادگیری تزییدی کشاورزان.
- ارائه طرح های تشویقی به کشاورزان خلاق در جهت ایجاد انگیزه برای سایر کشاورزان.

منابع

۱. آراستی، ز، ملکی، م.م، والی نژاد، م، و مبارکی، م.ح. (۱۳۹۲). انگیزه های زنان کارآفرین در راه اندازی کسب و کار و تأثیر آن در رشد کسب و کار، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۹۲-۷۱.
۲. اشراقی سامانی، ر، کریمی، ط، واحدی، م، و صیده، ط. (۱۳۹۵). چالش های کارآفرینی روستایی در استان ایلام، راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی، سال سوم، شماره ۵، صص ۶۳-۵۷.

۳. پترین، ت. (۱۳۸۱). کارآفرینی به منزله یک نیروی اقتصادی در توسعه روستایی، از دفتر منطقه‌ای فائو در اروپا، ترجمه حمیدرضا زرنگار، مجله جهاد، دوره ۲۲، شماره ۲۵۳، صص ۶۸-۷۵.
۴. حسینی، س. م.، و شریف‌زاده، ا. (۱۳۸۶). سناریوهای « بهسازی ترویج کشاورزی : در جستجوی یک پارادایم نوین، چاپ اول، کرج : نشر آموزش کشاورزی .
۵. دادورخانی، ف.، رضوانی، م. ر.، ایمنی قشلاق، س.، و بوزرجمهری، خ. (۱۳۹۰). تحلیل نقش گردشگری در توسعه ویژگی‌های کارآفرینانه و گرایش به کارآفرینی در بین جوانان روستایی (مطالعه موردی: روستای کندوان و اسکندان شهر ستان اسکو)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۸۷، شماره ۴، صص ۱۹۵-۱۶۹.
۶. رکن‌الدین افتخاری، ع.، و سجاسی قیداری، ح. (۱۳۸۹). توسعه روستایی با تأکید بر کارآفرینی (تعاریف، دیدگاه‌ها و تجربیات). تهران، انتشارات سمت.
۷. زائری، ه.، خسروی‌پور، ب. و همتی، ب. (۱۳۹۳). نقش ترویج در توسعه پایدار کشاورزی با تأکید بر مشارکت، همایش ملی تغییرات اقلیم و مهندسی توسعه پایدار کشاورزی و منابع طبیعی، همدان، شرکت علم و صنعت طلوع فرزین و تحت حمایت سیویلیکا، جهاد کشاورزی همدان، ۵ تیرماه
۸. سلجوقی، خ. (۱۳۹۲). آشنایی با کارآفرینی در کشاورزی. سایت <http://karafarin24.com>. قابل بازیابی به تاریخ ۶ دی (Dec 27, 2013).
۹. شریف‌زاده، م. ش. (۱۳۹۳). کشاورزی پایدار کارآفرینانه: در جستجوی رهیافتی مقتضی برای تسهیل توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه کشاورزی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد اول، شماره اول، صص ۱۲۹-۱۰۳.
۱۰. شکوئی، ح. (۱۳۸۴). اندیشه نو در فلسفه جغرافیا؛ فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، جلد دوم، تهران: گیتاشناسی.
۱۱. شیپکی پورعلی‌آبادی، ن.، هادوی، م.، و شهناوی، م. ع. (۱۳۹۲). کارآفرینی روستایی و نقش نظام آموزش کشاورزی در توسعه آن، اولین همایش سراسری کشاورزی و منابع طبیعی پایدار، تهران، موسسه آموزش عالی مهر اروند و گروه ترویجی دوستان محیط زیست و انجمن حمایت از طبیعت ایران، ۱۰ بهمن ماه.
۱۲. طوسی، ر.، جمشیدی، ع. ر. و تقدیسی، ا. (۱۳۹۳). کارآفرینی روستایی و تعیین عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان مینودشت)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، دوره ۳، شماره ۸، صص ۱۱-۱.
۱۳. فراهانی، ح.، و حاجی حسینی، س. (۱۳۹۲). ارزیابی ظرفیت‌های نواحی روستایی برای توسعه کارآفرینی و توانمندسازی روستاییان (مطالعه موردی: روستاهای بخش شال شهرستان بوئین زهرا)، پژوهش‌های روستایی، دوره ۴، شماره ۴، صص ۷۴۸-۷۱۵.
۱۴. کریمی، س. (۱۳۹۳). کارآفرینی روستایی: چالش‌ها و فرصت‌ها، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد اول، شماره سوم، صص ۱۱۹-۱۰۱.
۱۵. کلاگر، پ.، و آقایی، م. (۱۳۹۳). بررسی نقش کارآفرینی کشاورزی در توسعه روستایی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد اول، شماره اول، صص ۸۳-۶۱.
۱۶. کنجوری، ز.، مهدی‌زاده، ح.، و سعیدی‌پور، ب. (۱۳۹۲). شناسایی راهبردها و راهکارهای آموزشی مؤثر در آموزش مهارت‌های کسب و کار به دانشجویان رشته‌های اقتصاد، مدیریت و مهندسی، اولین همایش ملی مدیریت کسب و کار، همدان، شرکت علم و صنعت طلوع فرزین و دانشگاه بوعلی سینا، ۳ بهمن‌ماه.
۱۷. موحدی، ر.، گلی، ف.، و یوسفی محمدی، م. (۱۳۹۵). توسعه آموزش عالی کشاورزی با تأکید بر کارآفرینی پایدار، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، دوره ۳، شماره ۱، صص ۷۷-۵۵.

۱۸. میرزامحمدی، م.، پورطهماسبی، س.، و تاجور، آ. (۱۳۸۷). موانع و راهکارهای کارآفرینی در نظام آموزش عالی ایران، کار و جامعه، دوره ۱۴، شماره ۹۷، صص ۴۷-۳۴.
۱۹. هاشمی، س. س.، مهرابی، ع. ا.، ایمنی، س.، و نجاحی، ا. (۱۳۹۰). توسعه روستایی با تأکید بر اشتغال و کارآفرینی: مطالعه موردی دهستان شیب در استان ایلام، روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۱، صص ۵۸ - ۳۵.
20. Balazs, K., and podmaniczky, L. (2010). Rural Enterprise planning: An Applied Approach to Address New Challenges, szent Istvan university Hungary.
21. Cotton, J. (1990). Enterprise Education Experience A Manual for School Based In Service Training. CASDEC.
22. Duarte, N., and Diniz, F. (2011). The role of firms and entrepreneurship on local development. Romanian Journal of Regional Science, 5(1): 54-69.
23. FAO. (2012). The State of world fisheries and aquaculture 2010. Fisheries and Aquaculture Department, Rome, 230 pp.
24. Garavan, T., and O'cinneide, B. (1994). Entrepreneurship Education and Training Programmes: A review and Valuation (part2). Journal of European Industrial Training, 18(11): 13-27.
25. Lanjouw, P. and A. Shariff. (2002). Rural nonfarm employment in India: Access, Incomes, and Poverty Impact', NCAER Working Paper 81.
26. Laukkanen, M. (2003). Exploring academic entrepreneurship: drivers and tensions of university-based business, Journal of Small Business and Enterprise Development, 10(4): 372-382.
27. Reardon, T., Berdegue, J., and Escobar, G. (2001). 'Rural nonfarm employment and incomes in Latin America: Overview of issues, Patterns and Determinants', World Development, 29: 395-409.
28. Reddy, M.N. (2012). Analysis And Recommendations For Creating A Pluralistic Agricultural Extension System In Tajikistan. Report of United States Agency for International Development (USAID), 50 p.
29. Saxena, S. (2012). Problems Faced By Rural Entrepreneurs and Remedies to Solve, Journal of Business and Management, 3(1): 23-29.